

فوتبال را از چه زمانی شروع کردید؟

از زمین شهید باباخانی که آن زمان خاکی بود، فوتبال را شروع کردم. آن زمان با بچه‌محل‌هایمان تیم تشکیل داده بودیم و من فورواردم بودم. در پست فوروارد توپ پاس نمی‌دادند و نمی‌توانستم بازی خودم را به نمایش بگذارم. پس تصمیم گرفتم درون دروازه بایستم تا توپ به من هم بدهند. بچه بودیم و فکرهای بیگانه داشتیم. الان هم از تصمیمی که در ۱۴ سالگی گرفتم و در دروازه ایستادم، پشیمان نیستم.

چرا وقتی فوتبال را حرفه‌ای شروع کردید، پست فورواردم را انتخاب نکردید؟

خب من از همان نوجوانی دروازه‌بانی را انتخاب کرده و عاشق این پست شده بودم. فکر کنم به خاطر این پست دیگری را انتخاب نکردم. به نظر من دروازه‌بانی پست خیلی متفاوتی است و این تفاوت، مرا به این پست نزدیک کرد و دیگر دوست نداشتم این پست را ترک کنم. تا امروز هم که مربی دروازه‌بانان شدم، از این که این پست را انتخاب کردم، پشیمان نشدم.

شما گفتید دروازه‌بانی پست متفاوتی است. این متفاوت بودن شما را از بازیکن‌های دیگر جدا نمی‌کند یا تمرین‌های جداگانه باعث نشده که کمی با دنیای پست‌های دیگر فاصله داشته باشید؟

خب هر پستی به نظر من دنیای خودش را دارد و این که بگویید به خاطر پست با دیگر بازیکنان ارتباط نداشتم، درست نیست. به‌رحال من روزهای زیادی را با بازیکنان گذراندم. خارج از تمرین در اردوهای تیم ملی و پرسپولیس هم با هم دورانی داشتیم و این که تمرینات دروازه‌بانان از بازیکنان دیگر جداست درست اما به‌رحال آن هم دنیای خودش را دارد؛ دنیای ۱۸ قدم که البته به اصطلاح ۱۸ قدم است و گرنه که ۱۶ متر است و در آن جا فقط می‌توانی توپ را با دست بگیری. دنیایی که پر از اتفاقات خوب و بد است. به نظر من دروازه‌بانی با این که پست جدایی است اما همواره همراه تیم است و نمی‌توان گفت که از تیم جداست.

تمرینات شما با تمرینات مربی تیم ملی فاصله زیادی دارد. این باعث نمی‌شود تا شما بعد از اردوی تیم‌ملی از تیم باشگاهی تان فاصله بگیرید؟

هر دوره‌ای این مشکل را دارد و بازیکن باید خودش را با تمرینات مربیان وقف دهد و مطیع مربیان باشد. در هر شرایطی که هست بازیکنان باید با آن کنار بیایند، نه این که دعوا یا با مربی بحث کنند. بازیکنان طولانی یک مربی با مربیان را ندارند و باید فقط مطیع مربیان باشند؛ چه مربی تیم‌ملی، چه مربی باشگاهی خودشان مثل زمان ما که فقط به حرف مربیان بودیم. بازیکن باید آن قدر توانایی داشته باشه که خودش را با هر شرایطی وقف دهد.

درباره مربی‌گری حرف زدید. دوران مربیگری چطور است؟

شاید ۱۰ سال عمر مفید یک بازیکن برای در اوج بودن است اما این باعث نمی‌شود که از دوران بازیکنی خود فاصله بگیرد، ولی یک مربی می‌تواند سالیان طولانی یک مربی خوب بماند و خودش را با علم روز دنیا وقف دهد. من هم مثل بقیه مربیان در حال رشد هستم و با علم مربی‌گری دنیا خودم را آپدیت می‌کنم. درست است دستمزد مربی‌گری زیاد نیست اما عشق به فوتبال باعث شده تا من در مربی‌گری هم بتوانم موفق باشم.

تا به حال به شغلی غیر از فوتبال یا ورزش فکر کرده‌اید؟

نه. من حتی شغل دومی که برای خودم انتخاب کردم، باز هم به ورزش مربوط می‌شود و با زهم به‌نوعی با ورزش سروکار دارم. عشق اول من فوتبال است و برای رسیدن به بهتر شدن، هر کاری می‌کنم و به نظر هم تا به این‌جا موفق شده‌ام. در حال حاضر هم درسم را می‌خوانم و تلاش می‌کنم که بهترین باشم. می‌توانم پیرسشم شغل دوم شما چیست؟

من مغازه لوازم ورزشی دارم. آن‌جا هم تقریباً موفق هستم.

کمی از خانواده‌تان بگویید. چند فرزند دارید؟

دو تا. یک دختر سن‌ها که ۳سالش و یک پسر امیرسام که کلاس اول است. **برنامه‌ای برای بچه‌ها دارید؟** امیرسام که الان در یک مدرسه دوزبانه درس می‌خواند، به نظر پایه برای ورزش خیلی مهم است، همچنین دوست دارم خارج از کشور برود اما کمی برای‌مان سخت است که از او دور شویم.

شما دو تا بچه دارید. تشویق‌شان می‌کنید که کار پدر را دنبال کنند؟

نه دیگر مثل زمان قدیم نیست که بچه‌ها به سمت کار پدر یا مادر روی بیاورند. پسر که به حیوانات علاقه دارد و ورزش‌شنا را دوست دارد. من هم فقط راهنمایی‌اش می‌کنم تا راه را درست از انتخاب کند اما در انتخابش هیچ‌گونه دخالتی نمی‌کنم. او آزادانه تصمیم می‌گیرد که چه کاری را انتخاب کند. **دوست دارید امیرسام فوتبالیست شود مثل خودتان؟**

دوست دارم در هر رشته‌ای که علاقه دارد درس بخواند و پیشرفت کند. امیرسام زیاد



گفت‌وگو با داوود فناپی، یادآور گل ۳۰ ثانیه‌ای علی سامره

پروین همیشه زمان دربی آرام بود

مونا ربیعیان | دهه ۶۰، دهه‌های که اوج فوتبال ایران را رقم می‌زد، فوتبالی که با بازیکنان خاکی و خودمانی شروع شد. داوود فناپی که پست متفاوتی با دیگر بازیکنان داشت اما با آنها بود و گاه با بازیکنانی مانند پهلوز، پژمان و شوخی‌هایی که گاه و بی‌گاه با آنها می‌کرد، فوتبالیست‌هایی که مانند نسل علی پروین از زمین خاکی محل با تیم‌های محلی، فوتبال خودشان را آغاز کردند؛ آغازی پر از شسورو و عشق، عشق به فوتبال؛ عشقی که بعد از این

همه مدت پیش‌بینانی با ناراحتی در آن دیده نمی‌شود. دوستی‌هایی که در فوتبال ابدی شدند و همینکه برای خاطره تعریف کردن از آن زمان علی سامره می‌افتند. فناپی دروازه‌بانی بود که شاید خیلی زود از فوتبال خداحافظی کرد. او با یک مصدومیت از چشم علی پروینی افتاد که بارها و بارها او را جایگزین احمدرضاعابدزاده کرده بود. فناپی به اختلافی که با عابدزاده بر سر نیمکت‌نشینی‌اش بود، اشاره نمی‌کند اما زمانی که پروین و وحید قلیچ به این نتیجه می‌رسند که

باید یک هفته در میان این دو دروازه‌بان را درون دروازه بگذارند، همه چیز روشن شد. فناپی البته از آن دسته بازیکنانی است که از همان دوران بازیکنی‌اش به مطالعه و دیدن فیلم علاقه‌مند بوده و حتی تمرینات مدتی‌ش هم داشته. او خیلی زود وارد جرگه مربیگری شد و همه مدارک کنفدراسیون فوتبال آسیا و فیفا را گرفت. مدتی هم مربی دروازه‌بانان تیم ملی نوجوانان و تیم ملی جوانان ایران و تیم ذوب آهن بود و در حال حاضر مربی دروازه‌بانان پیکان است.

توانند مربیگری تیم محبوبی را انجام دهد اما شرایط خوب تیمی پرسپولیس. خیلی‌ها وقتی اسم داوود فناپی را می‌شوند، یاد گل ۳۰ ثانیه‌ای علی سامره می‌افتند. فناپی دروازه‌بانی بود که شاید خیلی زود از فوتبال خداحافظی کرد. او با یک مصدومیت از چشم علی پروینی افتاد که بارها و بارها او را جایگزین احمدرضاعابدزاده کرده بود. فناپی به اختلافی که با عابدزاده بر سر نیمکت‌نشینی‌اش بود، اشاره نمی‌کند اما زمانی که پروین و وحید قلیچ به این نتیجه می‌رسند که

باید هر یک از این دو دروازه‌بان را درون دروازه بگذارند، همه چیز روشن شد. فناپی البته از آن دسته بازیکنانی است که از همان دوران بازیکنی‌اش به مطالعه و دیدن فیلم علاقه‌مند بوده و حتی تمرینات مدتی‌ش هم داشته. او خیلی زود وارد جرگه مربیگری شد و همه مدارک کنفدراسیون فوتبال آسیا و فیفا را گرفت. مدتی هم مربی دروازه‌بانان تیم ملی نوجوانان و تیم ملی جوانان ایران و تیم ذوب آهن بود و در حال حاضر مربی دروازه‌بانان پیکان است.

باید هر یک از این دو دروازه‌بان را درون دروازه بگذارند، همه چیز روشن شد. فناپی البته از آن دسته بازیکنانی است که از همان دوران بازیکنی‌اش به مطالعه و دیدن فیلم علاقه‌مند بوده و حتی تمرینات مدتی‌ش هم داشته. او خیلی زود وارد جرگه مربیگری شد و همه مدارک کنفدراسیون فوتبال آسیا و فیفا را گرفت. مدتی هم مربی دروازه‌بانان تیم ملی نوجوانان و تیم ملی جوانان ایران و تیم ذوب آهن بود و در حال حاضر مربی دروازه‌بانان پیکان است.



اما فکر نمی‌کنید این اردوهای تیم‌ملی به پرسپولیس لطمه می‌زند و بازیکنان را خسته می‌کند؟

این هست اما این اردوهای تیم‌ملی برای همه تیم‌های جهان است، نه تنها ایران، نمی‌توان گفت که فقط ایران است که بازیکنانش تحت فشار هستند. اما خب بازیکن باید از نظر بدنی به قدری آماده باشد که وقتی اردویی پیش آمد بتواند به خوبی مدیریت کند و در تیم باشگاهی و ملی به خوبی بازی داشته باشد. این توان را من در بازیکنان پرسپولیس می‌بینم.

حالا کمی درباره مربی‌گری خودتان بگویید؟

من مربی‌گری را ابد شروع نکردم و در تیم‌های ذوب آهن و تیم‌ملی نوجوانان و جوانان مربیگری کردم. شش‌هفت‌سال با تمام تیم‌های رده پایه کار کرده‌ام؛ به غیر از بزرگسالان. به عقیده من مربی‌گری سقف ندارد ولی در ایران اتفاقاتی می‌افتد که مربیان حاشیه امنیت ندارند، یعنی فکر می‌کنم هیچ شرکت ترابری هم نمی‌تواند با این سرعت کار کند. مثلاً مربی ۳سال در یک جا کار می‌کند، شبانه‌وارا برکنار می‌کنند و صبح روز بعد می‌بینید که مربی با تیم دیگری قرارداد می‌بندد. در ایران متأسفانه شایسته‌سالاری وجود ندارد و به ناگهان به مربی‌ای که دو سال در خانه نشسته، هدایت یک تیم بزرگ را می‌دهند. هیچ کجای دنیا چنین چیزی را نمی‌بینید. کلی خاطره هم از خودم به جا گذاشتم. در حال حاضر در تیم جوانان پیکان بازی می‌کنم و به اصفهان آمدم. وقتی وارد این شهر شدیم کلی خاطره خوب که زمان مربی‌گری‌ام در اصفهان داشتیم، یادم آمد. به نظر من مربی با بازیکن فرقی ندارد؛ مهم این است که خاطرات خوب در دوران خودمان به جای بگذاریم و این خاطرات است که همیشه می‌ماند.

فکر می‌کنید پرسپولیس بتواند در جام آسیا موفق شود؟

بله؛ این تیم پتانسیل این را دارد که در جام باشگاه‌های آسیا موفق شود و حتی در این برهه زمانی می‌تواند به قهرمانی در آسیا نیز فکر کند.

به نظر شما می‌تواند قهرمان فصل هم شود؟

به نظر من برای این که بگویم چه تیمی قهرمان است، خیلی زود است. فوتبال تا آخرین دقایق مشخص نمی‌کند که چه اتفاقی خواهد افتاد و چه تیمی قهرمان می‌شود. در حال حاضر تیم‌هایی که تازه وارد لیگ شدند به خوبی بازی می‌کنند.

این‌که مربیان تیم‌های موفق لیگ، اکثراً پرسپولیسی هستند، به نظر تان اتفاقی می‌تواند باشد؟

به نظر من پرسپولیسی‌هایی که در زمان بازیکنی خود بهترین بازیکنان بودند، در حال حاضر بهترین مربیان لیگ هستند. با این که در ایران خیلی به مربیان نمی‌رسند و حتی زمین‌های مناسب برای تمرین در فوتبال ایران وجود ندارد، با این حال مربیان ایرانی حالا چه پرسپولیسی، چه استقلال‌ی خیلی زحمت می‌کشند تا تیم‌شان موفق شود. به نظر من این که پرسپولیسی‌ها بیشتر موفق هستند، به خاطر زحمات زیادی است که می‌کنند. امیدوارم که هر روز موفق‌تر شوند.

یک خاطره از دربی که در آن حضور داشتید بگویید.

این روزها می‌بینیم که همه بازیکنان در روزنامه‌ها برای هم کسری می‌خوانند ولی این را بدانید که این کسری‌ها فقط در روزنامه است و در دنیای واقعی زمین داستان متفاوتی دارد و وقتی دو تیم وارد زمین می‌شوند، تازه داستان شروع می‌شود. حرف‌ها و کسری‌ها نمی‌تواند خیلی تعیین‌کننده باشند. خیلی سال‌ها بوده که پرسپولیس در فرم ایده‌آل قرار داشته اما دربی را باخته است. طی هفته‌های اخیر پرسپولیس خیلی روی فرم نیوده و از طرف دیگر استقلال هم چشم‌پاز بازی نکرده است. با این حال من متعقدم در دربی تیمی و بازیکنی موفق خواهد بود که جو او را بگیرد.

درباره اخلاق آقای پروین زمان دربی بگویید. چطور بود؛ با بازیکنان دعوا می‌کرد؟

جالب است که بدانید آقای علی پروین هیچ‌وقت در دربی‌ها عصبانی نمی‌شد و با بازیکنان تندی نمی‌کرد. حتی در آن بازی که من از اکبر پور گل خوردم و بسازی را باختیم، علی آقا هیچ حرفی به من نزد. دلایل آن بود که می‌دانست در این روز بازیکن باید آرامش داشته باشد.

نظر شما درباره این‌که بازیکنان شب زنده‌دار شده‌اند و برخی آنها قلیان مصرف می‌کنند، چیست؟

اگر بخواهم با صراحت صحبت کنم این شب‌زنده‌داری‌ها و قلیان کشیدن‌ها به زندگی حرفه‌ای یک بازیکن ضربه می‌زند. چرا باید الان بحث استفاده بازیکنان از ترامادول مطرح شود؟! چرا باید چنین اتفاقاتی در محیط‌های ورزشی بیفتد؟ اصلاً این ترامادول چیست؟ باشگاه‌ها ما فقط به بازیکنان پول می‌دهند و توقع رفتارهای حرفه‌ای از آنها ندارند. من که می‌گویم بازیکن باید از هشت صبح تا هشت شب در اختیار باشگاه باشد، برای همین است که بعد از یک ساعت تمرین زود قلیان بکشد و تفریح کند و فردا هم باید در تمرین و دست مربی از بازی گرفتن بسته باشد.

مونا ربیعیان | دهه ۶۰، دهه‌های که اوج فوتبال ایران را رقم می‌زد، فوتبالی که با بازیکنان خاکی و خودمانی شروع شد. داوود فناپی که پست متفاوتی با دیگر بازیکنان داشت اما با آنها بود و گاه با بازیکنانی مانند پهلوز، پژمان و شوخی‌هایی که گاه و بی‌گاه با آنها می‌کرد، فوتبالیست‌هایی که مانند نسل علی پروین از زمین خاکی محل با تیم‌های محلی، فوتبال خودشان را آغاز کردند؛ آغازی پر از شسورو و عشق، عشق به فوتبال؛ عشقی که بعد از این

همین‌طور بازیگران خوبی مثل شهاب حسینی را. دوست دارید باز یگر شوید؟

چرا؟ خب ما بازیکنانی را داشته‌ایم که بازیگر شدند؟

برای بازیگری باید وقت گذاشت و مثل این است که بازیگری بیاید بگوید من می‌خواهم فوتبالیست بشوم، پژمان و علی جزو استثناها هستند. پژمان که انگار هنرپیشه به دنیا آمده. من با بچه‌های سینما که حرف می‌زنم همه می‌گویند پژمان استعداد دارد و در حال حاضر هم می‌بینم که خیلی خوب کار می‌کنند. کلاس‌های مختلف می‌رود و تئاتر بازی می‌کند. می‌دانید که تئاتر بازی کردن، کار راحتی نیست. پژمان از همان دوران نوجوانی که یادم می‌آید و با هم بودیم، استعداد داشت. علی هم مثل پژمان استعداد داشت. کم پیش می‌آید که بازیکنی بازیگر شود.

به شما پیشنهادی شده رد کنید؟

بله، علی نیکبخت داشت فیلمی راجع به خودش بازی می‌کرد که به من پیشنهاد دادند

چه جور فیلمی ببینید؟

هم ایرانی، هم خارجی می‌بینم. بیشتر فیلم‌هایی می‌بینم که آدم را محو تماشا می‌کند؛ حالا چه ایرانی، چه خارجی فرقی نمی‌کند. بیشتر محتوای فیلم اهمیت دارد که جذاب باشد. چند شب پیش «دوران عاشقی» را دیدم که فیلم زیبایی بود. بیشتر فیلم‌های اصغر فرهادی را هم دیده‌ام. فیلم‌های کارگردان‌های خوب را دنبال می‌کنم.

برای بازیگری باید وقت گذاشت و مثل این است که بازیگری بیاید بگوید من می‌خواهم فوتبالیست بشوم. پژمان و علی جزو استثناها و هر دو از دوستان خوب من هستند. پژمان که انگار هنرپیشه به دنیا آمده. من با بچه‌های سینما که حرف می‌زنم همه می‌گویند پژمان استعداد دارد و در حال حاضر هم می‌بینم که خیلی خوب کار می‌کنند. کلاس‌های مختلف می‌رود و تئاتر بازی می‌کند. می‌دانید که تئاتر بازی کردن، کار راحتی نیست. پژمان از همان دوران نوجوانی که یادم می‌آید و با هم بودیم، استعداد داشت. علی هم مثل پژمان استعداد داشت. کم پیش می‌آید که بازیکنی بازیگر شود.